

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

حمید عطاء ادم

۲۶ مارچ ۲۰۰۹

نوجوانان قهرمان

در هفته جاری نتایج امتحان کانکور برای سال ۱۳۸۸ اعلان گردید، که از میان هشتاد هزار نوجوان شامل دختر و پسر، تقریباً نیمه آنها در مؤسسات تعلیمی عالی انتخاب گردیدند که به همه شان مبارک باشد. آرزو مندم، که امتحانات کانکور بدون هیچگونه تقلبی سپری شده باشد، تا حق انانی که مستحق اند پامال نگردیده باشد. همزمان با اعلان این نتایج به چند برجستگی ویژه در رابطه با این دانش آموزان برخوردیم، که خواستم آن را با عده ای از هموطنان در میان بگذارم.

۱- جوانان با استعداد و پرتلاشی را می بینیم که نمرات خیلی بلند را بدست آورده اند و در رأس آنها جوان پرکار و با استعداد آقای محمد امیر فرزند محمد حسین میباشد که توانست با گرفتن ۲۴۶,۵ نمره بیرقدار این لشکر علم و دانش گردیده و شامل رشته طب معالجوی پوهنتون کابل شود.

۲- وجود یک فامیل جوان در لست این پیروز شدگان، چشمگیر و قابل توجه است. این فامیل جوان که شامل دو خواهر و یک برادر بنام های "فرشته"، هدی و احمد مصطفی" فرزندان آقای عبدالکریم فروتن میباشد، با گرفتن نمرات بلند شامل رشته های طب معالجوی و انجینیری ساختمانی گردیدند. این سه خواهر و برادر با وجود تفاوت سن میان شان، هر سه با درجه اول از صنف ۱۲ مکاتب خویش فارغ گردیدند که خرد ترین آنها دوشیزه هدی در سن ۱۴ سالگی توانست مکتب را تمام نموده و بعد از امتحان کانکور به رشته طب کامیاب گردد، چنانچه خواهرش دوشیزه فرشته هم بلند ترین نمره را در بین دوشیزگان شامل در کانکور، بخود اختصاص داده است. این نوجوانان مایه افتخار پدر و مادر، که خودشان نیز اهل دانش و فضلند میباشد.

۳- نکته مهمتر بنظر من در رابطه به دانش آموزان برجسته، این امید آینده کشور ما مسأله بورس ها و جذب شان به بعضی از پوهنتونهای خارج از کشور است. چنانچه میدانیم، مدتی قبل از شاگردان ممتاز فارغ شده از مکاتب دعوت بعمل آمد تا جهت گرفتن بورسهای تحصیلی داخل یک مسابقه آزمون شده، تا چند صد جوان برجسته تر را از میان برجسته ها برای تعلیم به یکی از کشور ها بفرستند.

رشته این بورسها تهنوز تعیین نشده و بعد از رفتن این جوانان برایشان از جاتب کشور میزبان تعیین میگردد!

انچه قابل اندیشه میباشد، اینست که تعداد زیادی از جوانان با استعداد و امید آینده کشور ما بعد از آن همه تباهی و بربادی که طبقه علمی و اندیشه مند کشور ما از کودتای ثور به بعد داده اند، به یک آینده مبهم و مجهولی دعوت میشوند.

این چشم امید نسل علمی آینده کشور وقتی به کشور میزبان میروند غالباً در رشته هایی که مورد علاقه شان نبوده و غالباً رشته های غیر اساسی برای ترقی و تعالی کشور میباشد، معرفی میشوند که سبب دلسردی و یأس این فرزندگان گردیده ، شعله های استعدادشان بسرعت فروکش کرده و کشور ما بصورت دیگری ضربه دردناک و جبران ناپذیری را متحمل میگردد. این جوانان غالباً با از دست دادن چانس شان در تعقیب رشته های مورد علاقه شان در کشور و همچنان وضعیت نا بسامان کشور، از عودت بوطن خود داری کرده بدین ترتیب یک قشر با استعداد خود را از دست میدهیم، که اولیای امور در کشور آگاهانه و یا نا آگاهانه سبب کشتن استعداد های برجسته و نو پای جوانان ما میگرددند.

به نظر من اگر رشته های تحصیلی قبل از دخول در امتحان اینگونه بورسها ، تعیین گردد، شاید بتوان تا اندازه زیادی جلو پاشیده شدن استعداد های جوانان خود شویم، چون هر کاندید میتواند بین رشته های مورد علاقه اش یکی را انتخاب نماید و در صورتی که در رشته مورد علاقه اش در این بورسها به هدف نرسید، چانسش را در مؤسسات تعلیمی داخل کشور از دست نمیدهد و میتواند در آینده به گونه مناسبتری در خدمت وطن و هموطنانش قرار گیرد. باید منکر این نباشیم که مؤسسات تعلیمی داخل کشور هم میتواند استعدادهای شگوفان اولاد وطن را پر بار نموده و از ان شخصیت های دانشمندی بار آرند . مسؤولان کشور باید با تشکر از کشور های دعوت کننده بخواهند، تا جوانان ما را در رشته هایی که به آن ضرورت داریم بپذیرند، نه اینکه باعث به خاکستر کشیدن این استعداد ها باشند.

این جوانان و استعدادهایشان امانتی بر دوش اولیای امور اند، که در رشد و نموی شان نباید بی توجهی شود!!!